

جمال شورهجه (فیلمساز)

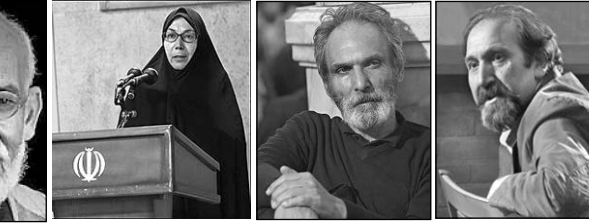
ی‌الله صدقی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقی پور (فیلمساز)

شهریاربحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ‌طاه‌ی (فیلمساز)



داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

علی نصیریان (بازیگر)

سلسحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

صفحه ۸  
دوشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۵  
۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۳۱



جواد اردکانی (فیلمساز)

معرفی برترین چهره‌های هنری و ادبی در سالی که گذشت

# ستاره‌های هنری ایران در سال ۹۴



**سلسحشور؛ هنرمند شور و شعور**
درگذشت فرج‌الله سلسحشور، مهم‌ترین و البته ناگوارترین خیر فرهنگی سال ۹۴ بود. کارگردان سریال‌های «یوب پیامبر» و «مردان آنجلس» و «یوسف پیامبر» در شرایطی که قصد ساخت چهارمین سریال خود یعنی «موسی کلیم‌الله» را داشت، به خاطر ابتلا به سرطان ریه بامداد روز دهم اسفند از دنیا رفت.

سلسحشور در عین وقف کردن خودش به قرآن، جهانی‌ترین فیلمساز ایرانی بود. او به زبان فارسی و با برداشت از قرآن کریم فیلم می‌ساخت، اما مخاطب او همه جامعه بشری بود. به طوری که اثر اخیر او یعنی «یوسف پیامبر(ع)» پربیننده‌ترین سریال ایرانی در جهان محسوب می‌شود. برخلاف اتحادیه‌ها و کمیته‌های غربی شهرت جهانی یافته‌اند، سلسحشور در میان بایکوت و کارشکنی‌های گسترده داخلی و خارجی توانست پرمخاطب‌ترین فیلمساز ایرانی در سطح جهان بشود. شاید باورش مشکل باشد، اما در برخی از کشورها مثل جمهوری آذربایجان، تاجیکستان، افغانستان و عراق و… سریال «یوسف پیامبر(ع)» در حین پخش، موجب خلوت شدت خیابان‌ها می‌شد.



**مجیدی و فیلم «محمد رسول‌الله(ص)»**

بدون تردید نمایش فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» نه تنها مهم‌ترین اتفاق سینمایی سال ۹۴ بلکه یکی از بزرگ‌ترین وقایع فرهنگی معاصر ایران محسوب می‌شود.

این فیلم دقیقاً در شرایطی روی پرده سینماهای ایران و برخی از کشورهای جهان رفت که استهزا و تخریب چهره پیامبران الهی به امری مرسوم در غرب تبدیل شده است. علاوه بر ساخت فیلم موهن و طراحی و انتشار بی‌دری بی‌ارکات‌نورهای توهین‌آمیز علیه پیامبر اسلام، دستگاه‌های فرهنگی وابسته به دولت‌های غربی حتی به پیامبران خود نیز رحم نکردند. اما فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» امروز به عنوان سفیری از فرهنگ ناب

عرصه هنری ایران در سال ۹۴ نیز در کنار همه فراز و نشیب‌هایش، صحنه ظهور پدیده‌ها و ستاره‌هایی هم بود. برخی از این هنرمندان، شخصیت‌های مطرح و مشهوری هستند. اما برخی از آنها هنوز بین مردم و هنرمندان چندان شناخته نمی‌شوند. اما به هر حال، به خاطر آفرینش آثار مهم و تاثیر گذار، نامشان برای این گزارش انتخاب شد.

تصویر روز

انسانی و اسلامی آمده است تا از حیثیت رسولان دفاع کند. این فیلم همچنین تصویری همه‌جانبه از شخصیت آخرین رسول خدا و حقیقت دین اسلام را در آئینه دوران کودکی حضرت محمد(ص) بازنمایی می‌کند. از مسائل اخلاقی و انسانی گرفته تا ابعاد سیاسی و حقوقی دین اسلام. اما علاوه بر این مضمون تأویل‌پذیر، فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» عظیم‌ترین اثر سینمایی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. این عظمت در جلوه‌های ویژه و عناصر صوتی و تصویری آن کاملاً نمود یافته است. این فیلم همچنین با بیش از ۱۵ میلیارد تومان، رقم پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را به خودش اختصاص داده است.



**هادی محمدیان و اعتلای انیمیشن ایران**

هادی محمدیان، کارگردان انیمیشن «شاهزاده روم» را هم باید یکی دیگر از چهره‌های هنری تاثیرگذار در سال ۹۴ دانست. اثری که توانست جایگاه هنر انیمیشن ایران را ارتقا دهد. ویژگی مهم «شاهزاده روم» ساختار قوی و گرافیک تصویری خوب و پرچاینه این انیمیشن است. این انیمیشن با روایت زندگی مادر امام زمان(عج) پس از موفقیت در جشنواره فیلم فجر، در کشور لبنان به نمایش عمومی درآمد و توانست به یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سال‌های اخیر آن کشور تبدیل شود. عراق، بحرین، عربستان، ساحل عاج و کویت هم مقصدهای بعدی «شاهزاده روم» بودند. این کارتون، سپس در سینماهای ایران اکران شد. با اینکه این انیمیشن از سرگروهی در اکران محروم ماند و این بسه معنای محدودیت تعداد سینماهای نمایش‌دهنده است اما با استقبال خوب تماشاگران مواجه شد، به طوری که در صدر جدول فروش اکران فصل پاییز قرار گرفت. اما موفقیت «شاهزاده روم» در همین حد باقی نماند. این کارتون ایرانی با کمک و واسطه لبنان (شاهزاده روم، محصول مشترک ایران و لبنان است) توانست به برخی از سینماهای انگلستان هم راه یابد. به گفته تهیه‌کننده این اثر، شاهزاده روم در دو هفته نمایش خود در چهار سینمای کشور انگلیس، در همه سال‌ها با سالن پر از تماشاگر به نمایش درآمد.

**احمد یوسف؛ ستاره گنمگام گرافیک**

مرحوم احمدی سخا ستاره‌ای بود که بعد از مرگش شناخته شد. حسین، تازه داشت شوکفا می‌شد و می‌رفت که به یکی از بزرگان گرافیک ایران تبدیل شود. اما در حالی که تنها ۲۵ سال سن داشت، قلبش ایستاد

اما نقطه عطف اصلی سریال «زغرانی» این است که بدون افتادن به دام ابتذال توانسته مضمون عشق را در بین انسان‌ها و حتی بین دو

جنس مخالف به خوبی نمایش دهد. این موضوع را می‌توان در رابطه زغرانی (مدپی هاشمی) و همسرش دید.

ضربانگ پایین داستان و فقدان حادثه و نبود نقاط عطف دراماتیک ، مانع درگیر شدن و ترغیب مخاطب برای پی گیری می‌شود. همچنان که موقعیت‌ها و لحظات طنزآمیز سریال هم فاقد جذابیت و گرما هستند.

مفادات ترین سریال نوروز امسال، «بیمار استاندارد» بود که به



بود. این ماجراها برای بسیاری از مردم طبقات متوسط به پایین جامعه ما آشنا هستند. اما سریال «قرعه» در پرداختن به کشمکش‌های اقتصادی، به جای عدالت‌خواهی، به «اسپانسر ستایی» پرداخت. واقعیت این است که نمی‌توان در متن یک سریال هم به تعریف و تمجید و تبلیغ یک بانک خصوصی پرداخت و هم جایگاه مردم را داشت، چون دو مقوله متضاد هستند. ضمن اینکه در این سریال، مردم بیش از حد واقعی، طماع و منفعت طلب معرفی می‌شوند. صحنه قشون کشی مردم محله برای طلب سهم از همسایه‌ای که در قرعه‌کشی بانک برنده شده، تصویر توهین‌آمیزی از مردم نمایش می‌دهد. طرح ماجرای ازدواج کهنسالان هم بسیار تکراری و کلیشه‌ای است و هیچ حرف یا تصویر و تصور جدیدی در بر نداشت. با توجه به حضور گروه سازنده «پایتخت» به عنوان مشاوران این پروژه، حال و هوای جاری در آن، شباهت زیادی به سریال سیروس مقدم یافته است.

**جای خالی داستان**

دومین سریال شش‌های نوروز، «زغرانی» نام داشت که از شبکه دوم سیما پخش می‌شد. کارگردانی این سریال را حامد محمدی برعهده داشت که قبلاً فیلم «فرشته‌ها با هم می‌آیند» را ساخته بود و بیشتر به خاطر نوشتن فیلمنامه فیلم «حلا و مس» شهرت یافته است. سریال «زغرانی» هم نشانه‌هایی از آن آثار را داشت. تقابل سنت و مدرنیته در قالب تعامل، رفقت و رقابت دو رستوران، نمایش سبک زندگی با تمرکز بر روابط انسانی و از همه مهم‌تر ، مسئله فرزند در خانواده‌ها، محورهای اصلی این سریال بودند. موضوع سرپرستی بر پدیده‌ها که محور اصلی محتوای این سریال بود، تازگی ندارد و قبلاً هم در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های دیگر مطرح شده بود. همچنین موضوع فرزندزایی در سنین بالا، اساساً در بین مردم ما هم جای تالیو نیست و تلاش سریال برای عادی‌سازی آن، اهمیتی نداشت.



نوجوانان قهرمان برخورد بسیار سردی از خود نشان می‌دهند و پیشنهاد صدام برای آزادیشان را نمی‌پذیرند. احمد یوسفزاده، نویسنده کتاب نیز، خودش یکی از همان ۲۳ نفر بود که در این اثر به روایت خاطرات خود پرداخته است.

رهبر انقلاب نیز به تحسین این کتاب پرداختند و در تقریظ آن نوشتند: «در روزهای پایانی ۹۳ و آغازین ۹۴ با شیرینی این نوشته شیوا و جذاب و هنرمندانه، شیرین کام شدم و لحظه‌ها را با این مردان کمال‌سال و پرهمت گذراندم. به این نویسنده خوش ذوق و به آن بیست و سه نفر و به دست قدرت و حکمتی که همه این زیبایی‌ها، پرداخته سرینجه معجزه‌گر اوست درود می‌فرستم و جبهه سپاس بر خاک می‌سایم. یار یک دیگر کرمان را از دریچه این کتاب، آنچنان که از دیرباز دیده و شناختم، دیدم و منشور هفت رنگ زیبا و درخشان آن را تحسین کردم.»

سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز نامه سرگشاده‌ای را خطاب به احمد یوسفزاده نویسنده کتاب «آن بیست و سه نفر» نوشت. در بخشی از این نامه آمده است: «ای کاش سفیران در قصرهای مجلل نشسته کشورمان، این سفیران در قفس گرفتار شده را ببینند و چگونه سفیر بودن را بیاموزند.»



**احمدی سخا؛ ستاره گنمگام گرافیک**

مرحوم احمدی سخا ستاره‌ای بود که بعد از مرگش شناخته شد. حسین، تازه داشت شوکفا می‌شد و می‌رفت که به یکی از بزرگان گرافیک ایران تبدیل شود. اما در حالی که تنها ۲۵ سال سن داشت، قلبش ایستاد

تئاتر در دهه‌های گذشته بیش از

هر هنر دیگری نقش سنگر اندیشه و تفکر را برای هنرمندان ایفا کرده بود. اما از چند سالی است که با ورود

سرمایه‌های ناگهانی به بدنه تئاتر ایران و مطرح شدن اصطلاح تئاتر خصوصی، هنر نمایش در ایران رنگ

عوضی کرده و تبدیل به مکانی برای فروش بالا، حضور ستارگان سینما، کمرنگ شدن اندیشه و… شد. وضعیت

تئاتر ایران در سال‌های اخیر محل مجادله و بحث بسیاری از هنرمندان و کارگردانان تئاتر بوده است. بسیاری از این روند ابراز رضایت می‌کنند و معتقد دارند می‌بایست تئاتر و سینما هم در بخش خصوصی با اهداف و سیاست‌های موجود خودشان را وفق بدهند اما تئاتری‌ها و تلاشگران عرصه هنر هفتم، با نگاه دلسوزانه‌ای به مخاطب به جدیت در کنترل کیفیت تأکید دارند.

کارگردانی سعید آقاخانی و فیلمنامه بهرام توکلی از شبکه اول سیما پخش شد. کنار هم قرار گرفتن این دو فیلمساز در نگاه اول، ترکیب نامجانسی به نظر می‌رسد.

چون آقاخانی یکی کم‌دین باسابقه محسوب می‌شود و توکلی هم با فیلم‌های تلخ خودش مشهور است، هرچند که سال گذشته نیز این دو نفر در یک کم‌دی نه چندان موفق به نام «من دیگو مارادونا هستم» هم با هم همکاری کرده بودند. همکاری دوباره این دو، نتیجه‌اش طنز سیاهی چون «بیمار استاندارد» است که بیش از خنده و شادی، دغدغه مسائل روشنائختی و اجتماعی و فلسفی را دارد. هرچند که طرح این گونه مسائل در این سریال، برای مخاطب عام چندان قابل لمس نیست. مضمون این سریال درباره استحاله و از خودبیگانگی انسان‌ها در فرایند پذیرفتن نقش‌های مختلف است. آدم‌هایی که هر یک براساس منافع یا تحت فشارهای مختلف و ناخوسته، از خویشتن واقعی خویش دور می‌شوند و به موجود دیگری بدل می‌گردند. آدم‌هایی که ظاهری بسیار شیکی و مرتب و دارای پرستیژ دارند، اما درواقع بیمار هستند. اما همه این حرف‌ها وقتی تأثیرگذار است که مردم بتوانند این سریال را با دقت و تأمل دنبال کنند و بعد هم به اندیشه برای بازگشایی نماندها و استعاره‌های آن بپردازند. اما ضربانگک پایین سریال و اتفاقاتی که باور آن‌ها برای عام مردم دشوار است و همچنین ماجراهای معلق بین واقعیت و خیال، بسیاری از بینندگان این سریال را تنها به این نتیجه رساند؛ «خب، به چی؟» و مشکل بزرگ این است که خود سریال هم مثل آدم‌های داستان دچار نوعی بی هویتی و فقدان جهان بینی مشخص و متعین است. یعنی فقط بیماری را نشان می‌دهد و راه درمان در آن دیده نمی‌شود.

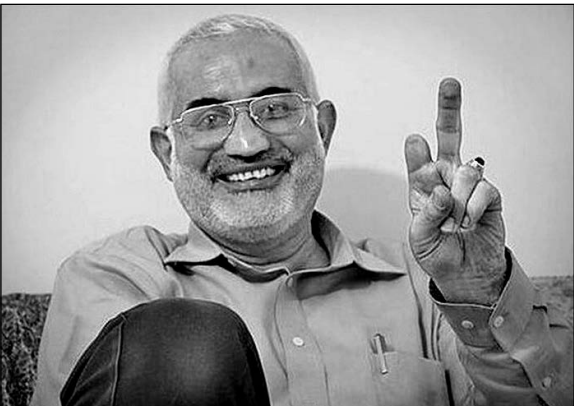
هر چند که شخصیت‌پردازی و دیالوگ‌های سریال «بیمار استاندارد» خیلی قوی و خوب و فراتر از استانداردهای یک کار تلویزیونی هستند. شخصیت‌ها در عین فانزیک بودن، قابل باور و ملموس به نظر می‌رسند. همچنین باید به تیتراژ ابتدایی خلاقانه آن هم اشاره کرد که خلاصه‌ای از کلمه قه را به صورت انیمیشن ترسیم می‌کند.

و ناباورانه از میان ما رفت. حسین احمدی سخا خالق مجموعه بوسترهای «ما می‌توانیم» با موضوع دستاوردهای علمی و فناوری ایران، «کتاب بخوانیم» و… بود.



**اسماعیلی و فصل شیدایی**

نمایش «فصل شیدایی» به کارگردانی سعید اسماعیلی مضمونی دینی و دفاع مقدسی پرمخاطب‌ترین نمایش سال ۹۴ بود. در شرایطی که تئاتر در کشور ما گرفتار انواع و اقسام بحران‌هاست، این نمایش توانست رکورد تازه‌ای را در جذب مخاطب به ثبت رساند، به‌طوری که با حضور بیش از شش هزار و ۵۰۰ تن در محل اجرای نمایش بزرگ «فصل شیدایی» رکورد تماشاگران این نمایش میدانی در بخشی ۱۳ تیر شکسته شد. «فصل شیدایی» به کارگردانی سعید اسماعیلی و روایت رسالت بوذری، تاریخ را با محوریت توسل به اهل بیت(ع) از هبوط حضرت آدم(ع) تا ظهور حضرت حجت(عج) مرور می‌کند. تفاوت «فصل شیدایی» با سایر نمایش‌ها در این است که به جای تالار یا سالن، در فضای باز برگزار می‌شود. این نمایش با مروری بر تاریخ انسان از ابتدا تاکنون منظومه‌ای است که در آن توسط گروه‌ها و در فرآیندهای تشکیلاتی، ابزارها و روش‌های مختلف هنری از جمله موسیقی، نور، دکور، نمایش جلوه‌های ویژه، سناریویی را به شکلی واقعی و عینی بر مخاطبین حاضر عرضه می‌کند.



**هنرمندانی که سال ۹۴ شهید شدند**

جا دارد در پایان از برخی از هنرمندانی که داوطلبانه به صف دفاع از حرم اهل بیت(ع) پیوستند و در جنگ با داعش به شهادت رسیدند

بررسی تئاتر در سال ۹۴ – بخش نخست

## تئاتر، اسیر مافیا و گروه‌بازی

■ **مجتبی بزرگر**

قرار می‌گیرد و بلیت‌ها به مبلغ گزاف عرضه می‌شوند.درحالی که واقعیت هیچ محتوایی ندارد. ولی چون آن کارگردان با مدیر تالار آشنایی دارد و با برخی از تهیه‌کنندگان و به اصطلاح گروه‌های خاصی هم‌وساست که به یک منفعتی دست پیدا می‌کنند. اما گروهی در این راستا در مظلومیت به سر می‌برند که کارهای ارزشی انجام می‌دهند. زیرا اگر بخواهند جای دفاع مقدسی و مذهبی به روی صحنه ببرند باید از جیب خودشان هزینه کنند و کارگردان‌های این آثار تا مدت‌ها قادر به عرضه اثر دیگری نیستند. چون نه از حمایت کسی بهره می‌برند و نه از پس هزینه‌های کار می‌آیند.

تدین صدوقی با اشاره به اینکه برخی از مخاطبین در چالش خرید بلیت‌های گران نمایش‌های تئاتر گرفتار بودند، گفت: البته این اتفاق گرفتار بود. تئاترها طرفداران و منتقدان خودشان را دارند، عمدتاً از اشراف و ثروتمندان هستند. امروز از تئاتر‌های شبه روشنفکری که اصلاً برای این هنر نمایشی، مفید نیست، حمایت ویژه‌ای می‌شود و بهره‌مندی از این پشتیبانی به واسطه موسوبی با دسته و گروه‌های خاصی است.

**چرا باید از چهره‌ها استفاده کنیم؟**

وی خاطر‌نشان کرد: متأسفانه همین تلهادهای ارزشی به من می‌گویند چرا از چهره استفاده نمی‌کنید؟! در صورتی که خود من مقالاتی دارم که با آمدن چهره به تئاتر، این هنر به چالش کشیده می‌شود. با این اوصاف همه به دنبال

چهره هستند.

این کارگردان تئاتر درباره اینکه امروز کارگردانان سینما و تلویزیون از تئاتری‌ها برای موفقیت اثرشان بهره می‌برند، افزود: برخلاف این اعتقاد، کارگردانان تئاتر اصراً دارند از بازیگران سینما استفاده کنند. متأسفانه این یک بیماری است که برخی فکر می‌کنند با بهره‌مندی از چهره‌ها در آثارشان موفق می‌شوند و مخاطب بیشتری جذب می‌کنند. در صورتی که کار خوب به متن با محتوا، ایده، اندیشه، کارگردانی خلاقانه و مبتکرانه و کار تکنیکی و فنی خوب برمی‌گردد.

وی درباره حرکت تئاتر در سال ۹۵ برای رسیدن به موفقیت، خاطر‌نشان کرد: در وهله اول باید تکلیف حمایت از تئاتر مشخص شود؛ تئاتر خصوصی بزه نظرم معنایی ندارد. واقعاً نباید اجازه بدهیم که کسانی از این هنر بهره ببرند و هیچ تلاشی برای ارتقاء و معنا بخشیدن به این هنر پویا نداشته‌اند. دوم اینکه کارهای ارزشی باید در اولویت حمایت‌ها قرار بگیرد تا در این بی‌هویتی و نبرد با تهاجم فکری و فرهنگی به توفیقی دست پیدا کنیم. مسئله بعدی اینکه باید موضوع چهره و رفتار حرفه‌ای در تئاتر معلوم شود. مسئولین ما در این راستا اگر از دفاع‌مقدسی از مورد حمایت جدی خود قرار دهم و از برخورد‌های رفاقتی و گروه‌بازی بهره‌برزم؛ وگرنه با این تهاجم فرهنگی و فکری که به

مهمون تلهادهای ارزشی به من می‌گویند چرا از چهره استفاده نمی‌کنید؟! در صورتی که خود من مقالاتی دارم که با آمدن چهره به تئاتر، این هنر به چالش کشیده می‌شود. با این اوصاف همه به دنبال همین تلهادهای ارزشی به من می‌گویند چرا از چهره استفاده نمی‌کنید؟! در صورتی که خود من مقالاتی دارم که با آمدن چهره به تئاتر، این هنر به چالش کشیده می‌شود. با این اوصاف همه به دنبال

از تلویزیون دران.